

اینزمان رسیده است، باینهمه اگر احتمال تغییر در توراۀ و انجیل برود نظیر همین احتمال در قرآن خواهد رفت و چنانکه علماء اسلام آن دو کتاب را محرف میدانند و دلایلی بآن ذکر مینمایند، ممکن است که علماء یهود و نصاری هم قرآن را محرف بدانند و شواهدی بآن هم اقامه بکنند گرچه جواب این شبهه از مقالات منتشره ما بر صاحبان بصیرت پوشیده نیست. ولی من باب ایضاح و رفع شبهه از ساده دلان عرضه میداریم ابدال حال قرآن بآن دو کتاب سابق الذکر طرف نسبت نمی باشد و قرآن مجید را از جهت مصونیت از تغییر و محفوظیت از تبدیل مقایسه با توراۀ و انجیل نتوان نمود و برای این مدعی بسی دلائل محکمه و شواهد تاریخی و براهین عقلی موجود بوده که ذکر تمامی آنها در یک مقاله نمی گنجد بیه برخی از آنها اشاره مینمائیم و از همان صافیه را حکم قرار میدهیم

دلیل اول بر اینکه قرآن طرف مقایسه

با توراۀ و انجیل حالیه نیست

در تمامی داستانهائی که در قرآن مجید بآنها اشاره کرده است از قبیل قصه آدم و ابراهیم، و یعقوب؛ و غیر اینها ابدالاً خلاف معقولی، و مخالف قدس و جلال حضرت کبریائی یا شئونات و مراتب نمایندگان حقه اش یافت نمی شود برخلاف قضایائی که توراۀ و انجیل مشتمل بر آنها است که آلوده بخرافات غیر معقوله و مخالف با قدس حضرت سبحانی و مقربین پیشگاه عظمتش دارد چنانکه این مراتب از نشرات هفتم سال قبل ما (در تبریز) بوضوح پیوسته. پس در اینصورت ناچار باید یکی از دو شق قائل شویم شق اول اینکه دست تحریف بآنها بازیگری نموده و خرافات

قصه‌های مخالف قدسی الهی با طهارت انبیاء حق‌ه‌اش بواسطه جهالت محرفین یا اغراض فاسده آنان در آنها مندرج گردیده

شق دوم اینکه العیاذ بالله در وحی آسمانی خرافات و موهومات تجلی مینماید خداوند متعال و اصدق الصادقین العیاذ بالله دروغ میگوید ، و مرده را اغراء بجهل هیفرماید و مقصودش هم از بعثت رسل و انزال کتب همانا افساد اخلاق بشری ، و سوق مردم بضلالت میباشد چنانچه این مطالب لازمه و حی بودن تورا و انجیل حاضره میباشد و همین مدعی از تامل در مندرجات مقاله دوم و مقاله چهارم موسیزدهم و سایر مقالات سال اول و دوم هفده سال قبل بر این بسی واضح و آشکار است

و این شق اخیر با اعتقاد احدی از خداشناسان وفق نهی دهد و کلیه خدا پرستان بمحالت آن معتقد میباشند پس ناچاریم که شق اولی را اختیار نهوده به حرف بودن تورا ، و انجیل حاضره قائل شده ، و اصل تورا و انجیل را مذهب از همه گونه آرایش و خالی از همه قسم خرافات و امور منافیة با دلائل عقلیه بدانیم .

دلیل دوم پر واضح است که قرآن شریف يك انجیل را تصدیق مینماید نه چهار انجیل را و قرآن مجید انجیل منزل به عیسی ع را تصدیق میکند نه مؤلفات سایر بن را و بدیهی است که این نا جیل حاضره از مؤلفات متی ، و رقس ، و لوقا ، و یوحنا است بعبارت اخری این ها کتب روایات است نه کتاب آسمانی ، محققاً کتاب آسمانی فعلاً در دست مسیحین نیست و کتاب روایت را با کتاب آسمانی مقایسه نتوان نهود چه در او ای جعل و تحریف از روی جهل و اشتباه باغرض ممکن است برخلاف دومی در صورتیکه دست بدست در هر دوره ، و طبقه از هزاران نفوس بشری باعصار اخیر رسیده باشد . و اول انجیل اوق تصریح مینماید که آنچه در انجیل مسینگارد بواسطه او بیان باور رسیده است

و علاوه خود سبک و وضعیت اناجیل با صدای بلند فریاد میکنند که آنها کتب، وحی، و انجیل نازل شده بر مسیح نمی باشند چه کتب در آنها تمامی سرگذشت های آنحضرت از اول ولادتش تا پس از مصلوبیتش (بنا نوشته های آنها) برقم رفته است و بدیهی است که در کتاب منزل بر پیامبر اللہی سرگذشت های او از مسافرتها و مهمانیها و ولادت و سایر حالات او برقم نمی رود بلکه اینمراثب در تاریخ حیات و حالات او نگاشته می آید، چنانچه سرگذشت های حضرت ختمی مرتبت صاع در کتب تواریخ، و احایث راجعه بوضعیات آنحضرت نوشته شده است .

پس ابن اناجیل حاضره مثل کتب تاریخ و احادیثی که در سیره حضرت رسول اکرم تصنیف شده است میباشد و پر واضح است که جمیع قضایا منقوله در کتب احادیث و تواریخ محل اعتبار نمی باشد . بلکه برخی از آنها قابل اعتماد میباشد و بر فرض اعتبارش مثل کتاب الهی در محققیت و مقطوعیت نمی شود و البته هرگاه کسی بپاره منقولات تاریخیه اذعان ننماید آنرا کافر، و منکر کتاب الهی نتوان پنداشت، برخلاف کسیکه بمندرجات کتاب ربانی اعتقاد نلند، یا بمقام رد و توهین آنها بیایند که مسلماً رد افوال خداوند متعال نموده، و بکلمات مقدسه خالق خود اعتقاد نورزیده خلاصه کلام آنکه در کتاب منزل بر نماینده الهی معارف اللہیه، و احکام، و قوانین راجع بر اصلاح معاش، و معاد، و قضایا اولین و آخرین که محسوس آن رسول نمی باشد و در ذکر آنها بسی فوائد مهمه اخلاقی، و علمی می باشد و هکذا آداب اخلاقی، و کیفیت تهذیب نفس از ردائیل صفات مندرج میگردد نه خصوص تاریخ زندگانی و وضعیات خود آن پیامبر زیرا که اینها

مسیح او می‌باشد و احتیاج بوحی و الهام نمی‌افتد بای اینها را برای استفاده
غایبین و اشخاص اعصار اخیره اما حجاب آن پنجمیر می‌نگارند و همین نوشته‌ها
مجموعه بشری می‌باشد نه صحیفه الهی و خود و رعیت اناجیل بطور وضوح شهادت
میدهد که آنها از این قبیل است برعکس قرآن مجید که صراحتاً تمامی عالمیان
میرساند که آنکلام قدس و وحی منزل است که بزبان ییزبانی حضرت سبحانی

انشاء و از عالم غیب الغیوب بمنصه ظهور و عیان رسیده است

(تلك من انباء الغیب نوحيها اليك ما كنت تعلمها انت
ولا قومك من قبل هذا)

(دلیل سیم)

بناء بتصریح خود عهد عتیق بنی اسرائیل وامت موسویه مدتی توره رامفقود
کرده و احدی از ایشان از عین آن خبری نداشت تا اینکه در ایام یوشیا (پادشاه موحد
و مؤمن) حلقیا کاهن آنرا از بیت مقدس پیدا نموده پادشاه همین مطلب را معروض
داشت شاه به زده این جشن بزرگی و احتفال عظیمی اقامه نموده و ماعین عبارت عهد
عتیق را نقل و حاکمیت قضیه را که چگونه بقول حلقیا کاهن در انبات کتاب الهی
اعتماد توان نمود و بطور ممکن است که توره در بیت المقدس و مسجد و معبد
عمومی باشد و با احدی دسترس نشود فقط حلقیا بآن ظفر بیاید بوجدان بی آرایش
ارباب احساس مجول هینمائیم

در عهد عتیق (۱) کتاب دوم پادشاهان باب ۳۴

(۱) توره و کتابهای انبیاء و غیر آنها از ملاحقات توره با عهد عتیق نامبری میشود چنانکه
اناجیل و ملاحقات آنها به عهد جدید نامیده می‌شود

۱۴- و چون نقره را بخانه خداوند آورده شده بود بیرون می بردند حلقیای کاهن کتاب توراۀ خداوند را که بواسطه موسی نازل شده بود پیدا کرد
 ۱۵- و حلقیا شافان کاهن را خطاب کرده گفت کتاب توراۀ را در خانه خداوند بافتهام و حلقیا آن کتاب را به شافان داد .

۱۶- و شافان آن کتاب را بنزد پادشاه برد و نیز به پادشاه خبر رسانید گفت هر آنچه بدست بندگانت سپرده شده است آنرا بجا میآورند .
 ۱۷- و نقره را که در خانه خداوند یافت شد بیرون آوردند و آنرا بدست سرکاران و بدست عملهها دادند .

۱۸ و شافان کاتب پادشاه را خبر داده گفت حلقیای کاهن کتابی بمن داده است پس شافان آنرا بحضور پادشاه خواند .

۱۹- و چون پادشاه سخنان توراۀ را شنید لباس خود را درید .
 ۲۰- و پادشاه حلقیای کاهن و احیام بن شافان و عبدین میکاو شافان کاتب و عایا خادم پادشاه را امر فرموده گفت .

۲۱ بروید و از خداوند برای من و برای بقیه اسرائیل و یهود در باره سخنانیکه در کتاب یافت میشود مسئلت نمائید زیرا غضب خداوند بر ما ریخته شده است عظیم میباشد چونکه پدران ما کلام خداوند را نگاه نداشتند و بهر آنچه در این کتاب مکتوب است عمل ننمودند . *پایان*

پس اکنون با صدای رسا فریاد میزنیم که ای منصفان حقیقت طلب آیا کتابیکه بواسطه تبدلات، و تسلط دشمنان مدتی مفقود الاثر باشد، و بعد از مدتی در اثباتش فقط بقول بکنفر کاهن اعتماد بشود همین کتاب را مقایسه میتوان نمود

با کتابیکه هر آیه ، و هر سوره که ز آن شرف نزول میافت ، و هزاران نفوس مؤمنه بلوچه سینه‌های خود می‌نگاشتنند؟ و تا کنون باقطع نظر از نسخ (زیاده از حد احصاء آن) در هر دوره ، و عصر هزارها حافظ آن در اکناف و اقطار عالم موجود میباشند؟ آیا این عین بی‌انصافی بالجحاجت از روی جهالت نیست؟

اگر مهر درخشان بانواز ضعیفه آلوده بتارکینها طرف مقایسه شود آنوقت هم قرآن مجید را با تورات حاضره طرف مقایسه خواهد شد .

❁ (دلیل چهارم) ❁

قرآن شریف بابلغترین عبارات و فصیحترین الفاظ گوشزد و عموم جهانیان مینماید که این کلام الهی باینکه از ظلماتی مرکب است که همواره دایر بزبان صغیر و کبیر و مرد و زن هم زبانان آن میباشد ترکیب و تالیفش خارج از صنع بشری است بطوریکه اگر جمیع مردم جمع بشوند و یا همدیگر تعاضد و تعاون و تبادل افکار بنمایند نمی‌توانند که مانند آنرا در قالب تالیف بریزند.

(یا ایها الناس ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فانوا بسورة من مثله و ادعوا

شهادتکم من دون الله ان کنتم صادقین) و زیاده از هزار و سیصد سال است که

این ندا بسمع تمامی مخالفین دین همین میرسد و آنانیکه شب و روز در اطفاء

نور دیانت احمدی صاع جدیت مینمایند ، و آنی از محو نمودن آثار مقدسه آن

(۱) این آیه شریفه در سوره بقره است و خلاصه ترجمه اینکه ای مردم هرگاه در شک و ریه میباشید از آنچه به بنده خودمان نازل فرموده ایم (یعنی که آن کلام الهی نیست و بانشاء و تالیف بشر بعرضه شهود رسیده) پس یک سوره از مثلش بیآورید و بپهر که دست شما میرسد بمعاونت خویش دعوت نماید هرگاه راست گو میباشید (در اینکه این کلام الهی نیست)

فروگذاری نمی کنند، تاکنون نتوانسته اند سوره مثل کوچکترین سوره قرآنی از الفاظ دائره بزبان عمومی ترکیب بنمایند، و بطلان دعوی مسامین، و مدعای قرآنی را بعموم جهانیان ثابت و روشن نمایند پس اگر تالیف، و ترکیب نظیر قرآنی امکان پذیر بود تا بدان واسطه در باره قضایا و احکام آن تبدیل و از دیاد صورت پذیرد معاندین دین اسلام تا بحال مانند کوچک ترین سوره قرآن اختراع و بمعرض نمایش عمومی می گذاشتند بعبارت اخیری کلامی که انشاء آن مافوق صنع بشری باشد. ادخال پاره قصه های مجعوله یا احکام بی اساس در آن صورت پذیر نمی شود برعکس کلامی که نظیر آن از این حیث مثل تورات و انجیل که احدی تالیف و ترکیب مفردات آنها را مافوق صنع بشری نمی داند و در آنها همین مطلب هم ادعا نکرده پس ممکن است که بواسطه تبدلات و تغییرات بعضی قضایای مجعوله و احکام مخترعه در آنها مدخول شود و اصل وضعیت آنها تغییر بیابد چنانکه مسئله بهمین قرار است

❁ (دلیل پنجم) ❁

بر کسیکه اندک اطلاع از تاریخ دارد پوشیده نیست که پس از مختصر مدتی از طلوع خورشید هبات (حضرت محمد صاع) از افق سعادت شعشائیت انوار آن قلوب صدهزاران نفوس را منور، و پرتو فروغش باقطار عالم منتشر، و روز بروز تجلیاتش فروتر میگشت و از زمان حیات حضرت ختمی مرتبت صاع تالی قرون اخیره در هر دوره، و عصر اقله هزار نفیس با ایمان حافظ قرآن اقطار و اطراف عالم موجود بودند -- پس باین همه چطور امکان پذیر است که کسی قرآن شریف را تغییر، و تحریف نماید؛ و کدام سلطان مقتدر را توانای

این امر میباید؟ مگر قرآن در یک جلد موجود بوده و در یک سینه یا صندوق محدود و قلوب محصوره محفوظ بوده که احتمال تحریف در آن برود!!

بالجمله کسیکه ادعا نماید که قرآن مجید تحریف شده است دلایل تاریخی و شواهد قطعی تکذیب ادعایش کرده و بی اطلاعیتش را از علم تاریخ بطور واضح مدلل میدارد چه که قبل از رحلت حضرت رسول اکرم صاع صد هزاران ارواح بشری بدیانت اسلام مدعن و همت اغلب آنها بر حفظ قرآن و قرائت آن در اطراف لیل و نهار و در نمازهای یومیه و نوافل مرتبه و ایام مام مبارک رمضان بود و هر آیه که شرف نزول مییافت هزارها مردم از روی شوق و ذوق آنرا حفظ مینمودند و بسیاری از مردم در شهر صیام ختم قرآن را مثل فرایض مواظبت داشتند، و علت این اهتمام آنکه اولاً اینکه حضرت رسالت پناهی باندازه سلطنت و ریاست داشت که هیبت و سطوتش بقلوب سلاطین بزرگ مستولی بوده و سردارها در تحت فرمان همایونش بوده و لشکرها و حکومتها تشکیل میفرمودند و بدیهی است که هرگاه یک سلطانی که بده یک نفوذ آنحضرت دارا باشد و نظر وی بر حفظ یک کتابی قرار بگیرد و البته هزار کسی محض برای تقرب بمحضرش آن کتاب را حافظ میباشند تا چه رسد بیک وجود همایونی که جانها از روی شوق قربان راه محبتش میشدند، و همواره نظر منبرش بر حفظ و دراست قرآن مجید بوده و اجرهای جزیل و نوابهای بزرگ بر حفاظت آن وعده میفرمود و ثانیاً عموم مسلمین و گروندگان دین مبین از صدر اسلام تا کنون معتقدند بر اینکه قرائت آیات قرآنی موجب مزید رحمت الهی، و نزول برکات سبحانی میباشد، و اغلب متدینین شب و روز خاصه طرف صبح کمال اهتمام بر قرائتش مینمایند، و بمقاد تعالیم

اولیاء دین آنرا بزرگترین عبادت دانسته ، و بهر سوره و آیه اجری فزونتر از حساب معتقد میباشند و علاوه از اینها قرائت مقداری از آنرا در هر نماز از فرایض می شمارند و کمتر خانه از مسلمین یافت میشود که اقل قرآنی در آن خانه موجود نبوده یا اینکه یکی از سکنه آن بمقداری از قرآن حافظ نباشد خلاصه کلام آنکه شواهد تاریخی بطور وضوح شهادت میدهد که علاوه از اینکه از زمان حضرت خاتم الانبیاء قاری قرآن ، و حافظ آن کتاب مبارک وجود داشت و هر آیه که نازل میگشت هزارها مردم آنرا از روی اخلاص تلقی نموده در اندک زمانی در کلیه نقاط عربستان شیوع و انتشار مییافت در هر عصر و زمان هزارها نفس در نگاهداری آن و در است آن ، مواظبت و اهتمام داشتند پس با اینهمه هیچ کس را نیروی آن نمی باشد که آن کتاب مقدس را تغییر ، و تبدیل دهد و بر عموم این مسئله را پوشیده دارد فلینذا سید مرتضی (علم الهدی) که از بزرگترین ارکان شیعه ، و رؤساء فرقه ناجیه است از روی دلایل قطعی معتقد است که این قرآن خالی بدون کم و زیاد همان قرآن مبین است که بتوسط روح الامین بقلب حضرت سید المرسلین نازل شده ، و ابدأ چیزی از آن کم نشده است و اشخاصی را که بکم شدن (۱) مقدار از آن معتقدند از روی دلایل قطعی با اشتباه نسبت میدهد و این دلیل پنجمین را با توضیحات علاوه بیان نمودیم و هر گاه در برخی از خصوصیات تکرار بنظر بیاید شاید بی فایده نباشد پس از این مراتب معلوم میباشد که پاره دعاء مسیحی را (که محض برای القاء شبهه

۱- جمعی از علماء شیعه به تنقیص مقداری از قرآن مجید از روی پاره احادیث که این مقاله محل ذکر آنها نبوده میباشند ولی با اینهمه احدی از مسلمین بلکه از مخالفین مدعی زیادت در آن نمی باشد با اعتقاد عموم هر چه فغلا هست همان آیات است که ختمی مرتبت صاع قرائت فرموده و بیهوده گروندگان و ارباب ایمان مضامین آنها واجب العمل میباشد



که قرآن هم محرف است) یا جاهل بتاریخ میباشند یا

(امکان تحریف در توراها)

بشهادت تواریخ و اسفار عهد عتیق امت موسویه (صاع بعد از آنحضرت چنان دستخوش اجانب گردیده و باسارت و ذلت دچار شده که سهل است کتاب الهی فراموش ایشان گشته زبان اصلی خودشان را هم فراموش نموده و مدتها توراها گذشته از اینکه دست رس عموم نبود خواص را از آن هم اطلاع نداشت تا اینکه در زمان پوشیا حلقیا کاهن يك کتابی آورد و گفت که این توراها است و من آنرا از مسجد مقدس پیدا نمودم خود اسفار عهد عتیق صراحتاً تذکر میدهد که مدتها بنی اسرائیل طریق کفر را گزیده نه بدین حق مدعن بودند و نه کتاب الهی در میان شان بود پس حالا انصاف را از ارباب وجدان سلیم میطلبیم که آیا باین حال ممکن نیست که ایادی خائنین بآن بازیگری نموده و بواسطه پاره اغراض کاهنان باغرض و عالم نمایان بی حقیقت در آن تحریفات بعمل آید یا اشخاص صورت ساز پاره قضایا را بعنوان جعل در توراها بخورد عوام بدهند تا از نقل و کتابت و روایت آنها بانقاع دنیوی نائل بشوند چنانچه در قرآن مجید به برخی از این دسایس اشاره می فرماید

(یکتبون الکتاب بایدیهم ثم یقولون

(۱) یعنی مینویسند کتاب را با دستهای خود و پس از آن میگویند

هذا من عند الله و ما هو من عند الله)

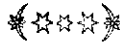
این از جانب خداست در حالی که او از جانب خدا نبود

۲- (وان منهم لفریقایی وون السنتمهم بالکتاب لتحصیوه

— بدرستیکه از ایشان گروهی میباشند که می پیچینند زبانهای خودشانرا

منالکتاب وما هو من الکتاب)

با کتاب تا اینکه گمان کنید او از کتاب است و حال آنکه او را از کتاب نیست



گذشته از اینکه حفظ توراۀ مرسوم عموم نبود بلکه تازمان لوطر (رئیس
 و مؤسس مذهب پرستانی) قرائت عهد عتیق و عهد جدید فقط مخصوص بکنیسه‌ها
 و رؤساء روحانی بود و سایرین را بآن نهادسترس نبود ، و در عالم نسخه‌های آنها بهمه
 جا منتشر نبود ؛ و این ترتیبات حاضرۀ توراۀ و اناجیل (که بالسنه بسیار کثیره
 ترجمه شده ، و بهمه اقطار نشر گشته) بعد از لوطر و تاسیسات و تبلیغات او صورت
 حصول یافته با اینهمه باز در ترجمه‌ها اختلاف محسوس میشود پس ممکن
 است آنزمان که این کتب فقط فیما بین رؤساء روحانی بوده باشاره رئیس اعظم
 که مرجع عموم رؤساء میباشد پاره تحریفات از جهت اغراض دنیویه صورت پذیرفته
 باشد .

و اما در وضعیت اناجیل عجاله باین اکتفاء نموده که هر گاه یک انجیل مسلم
 از صدر اول معتقد علیه عموم مسیحیان بود احتیاج بتعدد اناجیل نمی افتاد و انشاء الله
 اگر عمر و فائز نماید شرحی در این موضوع خواهیم نگاشت

